

زندگی

تربیت یک ابراهیم‌گرا

دکتر علی قائمی

مقدمه

پدیده‌ها همه آفریده و ساخته و پرداخته حضرت پروردگارند، اما حساب آفرینش انسان از دیگر پدیده‌ها جداست. او برخوردار از کرامت ذاتی (اسراء، آیه ۷۰) است و بر بسیاری از آفریده‌های او برتری دارد (همان).

یکی از علل کرامت و فضیلت انسان بر سایر موجودات این است که برخوردار از روح منسوب به خداست (حجر، آیه ۲۹). خداوند در قرآن می‌فرماید: پس از این که آدم را آفریدم و به او ساختار و صورت دادم، از روح منسوب به خود در او دمیدم (ص، آیه ۷۲) و او را مسجود فرشتگان ساختم (اعراف، آیه ۱۱).

به فرموده اسلام همه پدیده‌ها دارای روح‌اند، ولی روح انسانی از قداستی برخوردار است که خدای آن را به خود نسبت داده است. همه مساجد خانه خدا به حساب می‌آیند. اما کعبه مسجدی است بسیار مقدس که خداوند آن را خانه خود (بیتی) خوانده است (کافی، ج ۱، امام صادق ع).

براین اساس، روح انسانی دارای ابعاد نشأت گرفته از روح خدایی است که گیاهان و حیوانات فاقد آن‌اند و ما آن را ابعاد عالی رشد نام نهادیم که شخصیت انسانی انسان به آن وصل است.

ابعاد عالی رشد

این که ابعاد رشد کدام‌اند و چه دامنه‌ای دارند، سؤالی است که پاسخ آن بدین شرح است: نخست از فطرت انسان یاد کنیم که نشأت گرفته از روح، یعنی مرکز ذات انسان است. فطرت چیست؟ فطرت قدرت یا زمینه‌ای است پیچیده و مرموز که فعالیت و تلاش انسان را به سوی معنویت سوق می‌دهد، اما دامنه آن عبارت‌اند از:

۱- خدا آشنایی: فطرت به فرموده قرآن دارای رنگ و

هوای الهی است (فطره الله - روم، آیه ۳۰)، و به همین علت خداشناسی امری ذاتی و سرشتی است. همه انسان‌ها - در همه نقاط جهان - با فطرتی خدا آشنا به دنیا می‌آیند و همه باور دارند که جهان و پدیده‌هایش صانع و آفریدگاری دارند و هیچ چیز خود به‌خود پدید نمی‌آید. بدین ترتیب، منکر آفریدگار در دنیا وجود ندارد و خداوند هم در قرآن می‌فرماید: افی الله شک (ابراهیم، آیه ۱۰). آیا درباره خدا شک و وجود دارد؟ همه خدا پرست‌اند، با این تفاوت که در مصداق با هم اختلاف دارند. گروهی خورشید را خدا دانستند، عده‌ای رودخانه را، برخی هم بت را و ... و پیامبران هم الله را خدا و معبود معرفی کردند، و این خود زمینه‌ای است برای تربیت دینی افراد و جهت دادن آنان به کارهای خداپسندانه.

۲- حقیقت دوستی: این امر هم از جنبه‌های عالی رشد است که خاص دنیای انسان است. آدمی در هر وضع و از هر نژادی که باشد دوستدار حق و حقیقت است و از پذیرش دروغ یا امری خلاف حق نفرت دارد. این امر نیز زمینه‌ای برای تربیت انسان و جهت‌دهی او به سوی پذیرش حق و صدق و صفاست.

۳- نیکوکاری و خیراندیشی: از ابعاد عالی رشد است. سرشت آدمی به گونه‌ای آفریده شده که از احسان و نیکوکاری راضی و بدان خرسند است و نیکوکاران را دوست دارد و اگر با او به نیکویی رفتار کنند تابع و دوستدار آدمی می‌شود، و این خود زمینه‌ای برای تربیت پذیری اوست.

۴- کمال‌جویی: گفتیم که در انسان روح منسوب به خدا دمیده شد و خداوند بی‌نهایت و در متهای کمال است (دعای سحر ماه رمضان: اللهم انی اسالک من کمالک باکمالها...), او دوستدار سیر و حرکت به سوی بی‌نهایت



پسوند

نشریه ماهانه آموزش - تربیتی
سنگین ۱۳۸۶
شماره ۳۲۱



است و این امر هم در جنبه مادی برای انسان طرح است و هم در جنبه غیرمادی. سیری ناپذیری از ویژگی های اوست و می توان او را به سوی کمال و اوج گیری سوق داد؛ هم در عرصه علم و هم در عرصه معنویت. طالبان لایشبعان: طالب علم و طالب مال (نهج البلاغه).

کرد که برخی از آنها به قرار زیرند:

۱- اصل جنسیت: زن و مرد هر دو انسان اند. ولی از نظر صفات ظاهر و باطن دو دنیای متفاوت اند. در عین این که نقاط اشتراک بسیاری در آن دو وجود دارد. تربیت اسلام، تربیتی دو جنسی است و در آن سعی بر این است که برای این دو جنس دو گونه تربیت را اعمال کند.

۲- اصل تداوم: تربیت شخصیت باید به صورت مداوم و پیگیرانه باشد، زیرا آدمی دائماً در معرض تغییر و دگرگونی است.

۳- اصل فطرت: آن پرورشی از شخصیت می تواند دارای ارزش و قیمت باشد که مبتنی بر فطرت الهی باشد تا انسانیت در قالب آن تجسم پیدا کند.

۴- اصل فردانیت: و آن توجه به جنبه فردی انسان است، زیرا اصل بر رعایت استقلال فردی، عزت نفس و اعتماد به نفس است.

۵- اصل رعایت جمع: در اسلام اصالت فرد مهم است. ولی تأکید بر اصالت جمع است و در اصطکاک و اختلاف بین این دو، به جمع بیش تر توجه می شود.

۶-

طرق پرورش شخصیت

برای پرورش شخصیت انسانی انسان به این جنبه ها و موارد باید تأکید شود:

۱- اصل پذیرش فرزند به عنوان عضوی مهم در خانواده و جامعه، اصل حرمت گذاری او که انسان برخوردار از کرامت ذاتی است، اصل محبت متعادل به فرزند به گونه ای که خود را عزیز به حساب آورد، اصل تقویت استقلال به گونه ای که از سه سالگی برخی از امور را مستقلاً انجام دهد. اصل برآوردن نیازهای اساسی او به گونه ای متعادل برای جلوگیری از روح ذلت پذیری و درخواست. اصل اعطای آزادی مشروط و مقید، ... هم چنین عادت دادن فرزند به رعایت عدالت، پرورش روح بخشش و عطا، پرورش روح قضاوت و داوری به حق درباره امور و جریانات زندگی. دورداری او از ربا، وسواس و خیانت، عادت دادن تدریجی او به حق دوستی، نیکوکاری و خیراندیشی. توجه دادن تدریجی او به مهر و عنایت خدا، تشویق او به ضی راه کمال به گونه ای که هر روزش از روز دیگر بهتر باشد. توجه ویژه به دختران، ... پرهیز از طرد و رد و اعلام نفرت به فرزند. طرد تقلیدی حساب، طرد توقع بی حساب و سختگیری های بی مورد، خودداری از تحقیر و شکست حرمت او در بین جمع، دوری از درگیری زوجین در حضور کودک، خودداری از بیسان فقر و ضعف و ناداری خود، پرهیز از وارد آوردن ضربه عاطفی بر کودک و ...

۵- زیادوستی: از ابعاد دیگر رشد آدمی است. آدمی دوستدار زیبایی است، بویژه زیبایی در صنع حضرت پروردگار. چه بسازند دانشمندانی که از راه علم و مطالعه در زیبایی های شگفت آور آفرینش به خدا رسیده اند (به کتاب اثبات وجود خدا به قلم چهل تن از دانشمندان جهان مراجعه کنید)، مثلاً تعمق در ساختار چشم، مغز، غدد و ... خود، جهت دهنده انسان به سوی آفریدگاری است که عالم و دانا و در آن بی نهایت است.

۶- وجدان: که داوری عادل و قاضی بی نیرومند در درون انسان است. اگر آدمی از خط فطرت منحرف شده، به سوی گناه و فساد می رود، وجدان آدمی او را محاکمه می کند و در دادگاه خویش او را محکوم می کند، آن چنان که خود آدمی خود را سرزنش کرده، حتی در مواردی خود را شکنجه می دهد و محکوم به مرگ می کند.

وجدان زنده و بیدار از جنبه های عالی رشد و از عوامل تربیت و کنترل آدمی است و همان گونه که می دانید خود کنترلی قوی ترین کنترل هاست.

تشکیل شخصیت انسانی

شخصیت را عبارت دانسته اند از مجموعه یا ترکیب صفات ظاهر و باطن انسان که براساس آن افراد از یکدیگر متمایز می شوند. غرض از صفات ظاهر عبارت است از: جنسیت، قد، وزن، رشد، زشتی و زیبایی و ... و غرض از صفات باطن عبارت است از: فهم و ادراک، هوش و عقل، خشم و کین و انتقام جویی، حق دوستی، وجدان و ...

از مهم ترین عوامل مؤثر در شخصیت انسانی انسان، ابعاد عالی رشد است که تنها در انسان وجود دارد و حیوانات فاقد آن اند. و براین اساس است که اسلام اصرار دارد به پرورش این ابعاد در آدمی بیش تر توجه شود.

قد رشید، زیبایی صورت و قدرت بدن خوب است. ولی از آن خوب تر، بیداری فطرت، زنده بودن وجدان، برخوردارگی از روحیه کمال جویی و در نهایت انسانیت است. بدین سان، در عین پرورش صفات ظاهر، اصرار بر رشد و پرورش مناسب صفات باطن و بازسازی جنبه های عالی رشد است.

اصولی در پرورش شخصیت

در پرورش شخصیت افراد به ضوابط و اصولی باید توجه

